



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

۱۴ جون ۲۰۱۵

نه به کار طفل، بلی به تعلیم با کیفیت

تحت عنوان فوق، دوازدهم ماه جون سال جاری بحیث روز بین المللی کار طفل در سراسر جهان برگزار شد. این شعار که در مقیاس بین المللی مطرح شده است، با معیار های افغانستان که بیش از ۵ میلیون طفل در آن هنوز دسترسی به هیچنوع تعلیم ندارند، دسترسی ناپذیر جلوه میکند. بخش زیادی از لشکر میلیونی کارگران طفل در افغانستان را همین اطفالی که امکانات مکتب ندارند تشکیل میدهند. فقر، بی امنیتی، معیوبیت، بیکاری یا بیسوادی والدین علل دیگر نرفتن میلیونها طفل دیگر به مکتب و مشغولیت به کار های شاقه میباشد. طبق آمار بین المللی حالا ۷،۱ میلیون پسر و دختر در افغانستان به مکتب میروند. حتی همین گزارشات خوشبینانه دونه های بین المللی هم به واقعیت های ذیل اذعان دارند:

- امنیت در یک تعداد زیاد ولایات مانع گشوده شدن مکاتب میباشد. حد اقل ۵۰۰ مکتب تنها در ولایات جنوب غربی افغانستان طی سالهای گذشته مسدود بوده اند.

- بیش از نیمی از مکاتب تعمیر ندارند. واز تعمیر های موجود هم اکثر شان معیاری نیستند.

- بیش از ۵۰ فیصد معلمین حتی صنف ۱۲ مکتب را تمام نکرده اند، چه رسد به تحصیلات مسلکی معلمی.

- محتوی غیر معیاری مواد درسی و غیر مسلکی بودن معلمین منجر به بی علاقگی شاگردان و کمی امتیازات و تهدید های دشمن به بی انگیزه بودن معلمین منجر گردیده و نتیجه این حالت گراف بالای غیر حاضری شاگردان و معلمین میباشد.

- بیسوادی والدین و تهدید طالبان باعث شده که ارقام شمولیت دختران در روستا ها و مناطق نا امن بسیار پایین است.

البته اگر در مقایسه با بحران تعلیم و تربیه در سالهای نود بنگریم، رقم ۷،۱ میلیون شاگرد مکتب، صرف نظر از کیفیت پایین آن گام بزرگ به جلو محسوب میشود. اما پیشرفت بدست آمده کافی نیست. بخاطر آینده اطفال کشور باید از فضای بین المللی که پیشنهادات اخیر سازمان بین المللی کار نشر نموده است باید همصدا با این سازمان و یونسکو برای توسعه معارف در افغانستان و ورفع نقایص کیفی فوق الذکر در مکاتب افغانستان کار و مبارزه صورت بگیرد..

اینک میکوشیم با استفاده ازین مناسبت مختصراً اساسات حقوقی منع کار اطفال، برنامه تحقیق در مورد چگونگی وضع کار اطفال در جهان و نظارت از تطبیق اصول کنوانسیونهای منع کار طفل و محتوی گزارش امسال سازمان بین المللی کار درین مورد را توضیح کنیم:

جایگاه منع کار اطفال در حقوق بین المللی:

به اساس معیار های شناخته شده بین المملی کار اطفال از مدتهای طولانی بدینسو تخلف از اساسات حقوق اطفال، حقوق کار و اصول عمومی حقوق بشر پنداشته میشود. از جانب دیگر کار اطفال یکی از موانع مهم انکشاف ملی میباشد. کار اطفال تأثیر منفی بالای سیر انکشاف منابع بشری هر کشور داشته ودر واقع سرمایه بزرگ ملی را به مشکل بزرگ کشور مبدل میسازد. در چند دهه اخیر جامعه بین المللی معیارهای مهمی را برای تعریف کار اطفال و اولویت دادن به مبارزه با آن وضع نموده است. سه کنوانسیون مهم جامعه جهانی که این اصول و معیارها را تثبیت و تصویب کرده اند عبارتند از: کنوانسیونهای شماره ۱۳۸ و ۱۸۲ سازمان بین المللی کار (ILO) و کنوانسیون بین المللی حقوق طفل (CRC). این سه سند حقوقی کار طفل را از لحاظ حقوقی چوکات بندی نموده و منبع و اساس قانونی برای همه اقدامات در سطح ملی و بین المللی برای اقدامات ضد آن میباشد. کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی

کار که در سال ۱۹۷۳ از جانب اکثر کشورهای جهان رسماً پذیرفته شد مؤثرترین وقایع ترین نورم حد اقل سن را وضع نمود. این کنوانسیون از تمام کشورهای عضو خواست تا در قوانین داخلی خود حداقل سن برای دخول در کار و استخدام را طوری تعیین نمایند که از ۱۵ سال کمتر نباشد (ماده دوم بند سوم) و برای کارهای پرخطر یعنی مشاغل که بنا به نوعیت کار یا شرایط اجرای آن، در آن خطر وارد شدن زیان به صحت، امنیت و اخلاقیات طفل موجود باشد، ۱۸ سالگی را بحیث سن حد اقل استخدام تعیین نمایند. (ماده سوم بند اول). البته کنوانسیون به کشورهای کمتر انکشاف یافته اجازه داده است تا برای انکام کارهای سبک که خساره جسمی و روحی به طفل وارد نکند و مانع تعلیم اش نگردد حد اقل سن استخدام را ۱۳ الی ۱۵ تعیین کند. کنوانسیون شماره ۱۸۲ منعقد ۱۹۹۹ تکمیل کننده کنوانسیون شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار بوده و معطوف است به تأکید بر اولویت قابل شدن توسط دول عضو بر اقدامات جدی برای منع و امحای بدترین اشکال کار اطفال. به منظور این کنوانسیون بدترین نواع کار اطفال آن کار هایبست که شکل غلامی یا حالت شبیه به غلامی داشته و شمولیت اطفال در فعالیتهای جرمی یا کاسبی جنسی بشکل فحشا را داشته باشد. کنوانسیون شماره ۱۸۲ از دول عضو میخواهد تا در پروسه امحای کار اطفال به ممنوع قراردادن و امحای بدترین انواع کار اطفال اولویت قابل شوند. با اقدامات عاجل برای ممنوع قراردادن و امحای این نوع کار اطفال. کنوانسیون ۱۹۹۰ ملل متحد که بنام کنوانسیون حقوق طفل شهرت دارد (CRC)، سومین سند معتبر بین المللی است که کار شاقه بالای اطفال را نقض حقوق آنها میداند. ماده ۱۳۲ (بند اول) این کنوانسیون حق طفل را به حمایت در برابر استثمار اقتصادی اطفال و دادن کاری به آنها که اجرای آن کار به صحت وی مضر بوده، به تعلیم اش مزاحمت کند ویا مانع رشد جسمی، معنوی، روحی، اخلاقی و اجتماعی اش گردد، به رسمیت میشناسد. برای رسیدن به این هدف بند دوم همین ماده CRC از دول عضو میخواهد تا با در نظر داشت سایر کنوانسیونهای ذیربطه، سن حداقل برای استخدام را تعیین کنند.

برنامه عمل و نظارت بر تطبیق کنوانسیونها:

در سال 1992 سازمان بین المللی کار برنامه ای را برای مبارزه با کار اطفال به اجرا گذاشت. این پروگرام که با اختصار IEPC نامیده میشود نقش کلیدی در ترغیب برنامه های امحای کار اطفال در سطوح ملی و بین المللی بازی کرده است. در چوکات و با حمایت این برنامه ۲۵۰ سوری کار اطفال انجام داده شده ۶۰ سوری آن در سطح ملی میباشد. IEPC از سال ۲۰۰۰ بدینسو بصورت منظم به نشر گزارش کار اطفال در سطوح بین المللی، منطقوی و ملی پرداخته است. آخرین گزارش ازین نوع عبارتست از گزارش بین المللی کار طفل ۲۰۱۵ در این گزارش میخوانیم: (تعلیم و تربیتینگ میتواند محرک اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی بوده و مستلزم سرمایه گذاری میباشد. اما در بسیاری از کشورها، بنیه مالی مکاتبی که برای غربا میسر میباشد، ضعیف است. وسایل مکتب نامناسب و نا کافی، صنفها بزرگ (از لحاظ تعداد شاگردان)، فقدان معلمین مسلکی آموزش را ممکن نه بلکه به مشکلات دچار میسازد و باعث غیابت از مکتب میشود.) سازمان ILO در ضمن از کسانی که آموزش را ممکن میسازند، یعنی آموزگاران نیز حمایت نموده است. در گزارش میخوانیم: (همراه با یونسکو، ILO با ارایه سفارشات (به دول عضو) در مورد پرسونل درسی از اصل آموزش با کیفیت در همه سطوح درسی پشتیبانی میکنند. تامین قوه تدریسی مسلکی و با صلاحیت تحت شرایط کاری مناسب مبتنی بر تفاهم اجتماعی، قدم حیاتی برای ارایه تعلیمات با کیفیت است.) این پیشنهادات مشترک ILO و UNESCO بر حسب تصادف پشتیبانی از خواستههای قانونی معلمین مسلکی و با صلاحیت اشتراک کننده در اعتصابهای اخیر معلمین افغانستان میباشد. در صورتیکه بی امنیتی کاهش یابد و مقامات بالایی وزارت معارف بعوض منافع شخصی به پیشرفت معارف پردازند، میتوانند با یک پلان دقیق، در هماهنگی با مردم محلات ذیربط و استفاده از امکانات کمک مالی بین المللی در راه طولانی تهیه تعلیمات با کیفیت به همه اطفال کشور عزیز ما گامهای اساسی و استوار بردارند. چه فراهم ساختن زمینه تعلیم برای اطفال یکی از وظایف اساسی دولت است. جای طفل در مکتب است، نه در کارگاه، بازار یا خانه. کار شاقه جسم و روان اطفال را میشکند و این سرمایه بزرگ کشور را از رشد طبیعی و بلامانع جسمی و معنوی باز میماند.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا (فارو)